ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۴ | اذان مغرب ۱۷/۱۰ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۰ | اذان صبح فردا ۵/۲۸ | طلوع آفتاب فردا ۶/۵۷

سخن روز

مولی امیرالمؤمنین (ع):
غیبت‌کردن، آخرین تلاش افراد زبون و ناتوان است.
نهج‌البلاغه، کلمه ۴۵۳

تولیدات فیلم و سریال نیازمند بازنگری است

حمید شاه آبادی: تولید سریال‌های الف و فاخر حداقل ۵ سال زمان می‌برد و به‌دلیل پخش هفتگی، در طول یک سال پخش آن تمام می‌شود، ساخت سریال‌های الف زمانبر است ولی ماندگاری بعد از ساخت دارد. اگر بخواهیم حداقل یک کار در سال داشته باشیم باید سریال‌ها همزمان تولید شوند که تحقق این امر نیاز به بودجه پایدار دارد تا سر فصل‌ها معین باشد. این کار نیاز به ردیف بودجه مستقل دارد. سریال‌ها نباید فقط تأمین کننده کمی آنتن باشند. تولیدات فیلم و سریال نیازمند بازنگری است؛ صداوسیما به‌همت هنرمندان نیازمند تولید آثاری است که جریان ساز بوده و کیفیت و ماندگاری بیشتری داشته باشد.

معاون سیمای رسانه ملی در گفت‌وگو با «ایران آنلاین» از ساخت سریال برای تلویزیون گفت.

هیچ زیبایی و زینتی فاخرتر از سادگی نیست و البته نوعی سادگی که به بهترین شکل بر قالب داستانی دوست داشتنی با شخصیت‌های دوست داشتنی‌تر منطبق است.

درخت زیبای من
ژوزه مائورو ده واسکونسلوس

نـــگاره

کیان راد پویان

هویت خود را فراموش نکنید

به یاد جاودان «جلال آل احمد» در پنجاه و دومین سالروز درگذشت

جان جوینده‌اش همیشه در تلاش بود

یادداشت

غلامرضا امامی
نویسنده، مترجم و سر ویراستار

بیش از نیم قرن از خاموشی جلال می‌گذرد اما نمی‌توان از یاد برد که هر روز جنبه‌های ناشناخته زیست فرهنگی وی آشکار می‌شود. زیست فرهنگی عمر مردی که دیر نزیست، عمر درازی نداشت و به پنجاه سال نرسیده خاموش شد. اما عرض زیستش گسترده بود و عمق زیستش نیز ژرفای فراوان داشت. جلال از نخستین کوشندگانی است که زبان گفتاری را به نوشتاری نزدیک کرد و گستره ادبیات را به میان مردم کشاند. وقتی جلال در «نون و قلم» یا «مدیر مدرسه» قصه‌ای می‌نویسد گویی رویاروی ما ایستاده و سخن می‌گوید و این کار، کاری است سهل ممتنع.

جلال بهره خویش از عمر برد. سیر آفاق و انفس کرد. هم به مکه رفت و هم به مسکو، رُم و قم را دید. به کوره دهات‌های ایران هم سفر می‌کرد و در هر سفر، دیده‌های خود را بر کاغذی می‌نگاشت و این صحیفه را به دست روزگار می‌سپرد. به سال ۱۳۴۵ که من افتخار میزبانی اش را در شهر خرم خرمشهر داشتم می‌دیدم که دفترچه یادداشت و خودکاری بیک به دست دارد و هرآنچه را می‌بیند می‌نویسد. گاهی هم طرحی می‌کشید. با هم به دیدار کولیان در خرمشهر رفتیم. در کنارشان نشست و چای نوشید. از حال و احوالشان پرسید و به همراه سفرش، «هوشنگ پورکریم»، هم گفت عکسی بگیرد و مرتب یادداشت برمی داشت. جان جوینده وی همیشه در تلاش بود و می‌خواست از آنچه می‌بیند بر صحیفه روزگار نقشی بزند.

در خاطرم هست روزی در خدمت جلال، در کنار «اروندرود» خرمشهر قدم می‌زدیم که به او گفتم: «چقدر بخت با شما یار بوده که در زمان زندگی‌تان خوش درخشیده‌اید و کتاب‌ها و آثارتان بسیار خواننده دارد.» شاید این از آن روی بود که جلال در کنار مردمش بود. در کنار آنان بالید و پیمانش با ملتش را از یاد نبرد. جلال می‌کوشید برای پرسش‌های زمانه، پاسخی درخور یابد. می‌توان پس از گذشت سال‌ها، با برخی پرسش‌های وی همدل نبود اما نمی‌توان از یاد برد که وی کوشش کرده و سهم خود را ادا کرده است.

روزی را به یاد می‌آورم، به جوانی که سری پرشور داشتم، در هتل آناهیتای خرمشهر به آرامی به جلال گفتم: «آقای جلال آل احمد با برخی آرای شما در کتاب غربزدگی همراه نیستم.» کتاب غربزدگی دستم بود. کتاب را گرفت و بر آن چنین نگاشت: «به حضرت امامی که اگر نقصی در این کتاب می‌بینند اصلاحش کند یا عیبی می‌یابد بازش گوید.» و امضا کرد «جلال آل احمد».

دستخط را که دیدم بسیار شرمنده شدم. درست نمی‌دانستم من که آن زمان جوانی بیست ساله بودم چنین پرسشی را برای آن برادر و معلم مهربان بازگویم و او چنین بنویسد! اما کار از کار گذشته و تیر سخن از کمان رها شده بود. جلال لبخندی زد و گفت:«حرف‌های من وحی‌منزل نیست. اما دردی را حس کرده‌ام و فریادی را از ته چاه کشیده‌ام.» آن عصر زیبا را بلبلان بر هتل آناهیتا بر درختان چهچه می‌زدند هنوز به یادم مانده است. اما سخن آخر اینکه جلال می‌ماند، به روزگاران. تا انسان به جست‌وجوی آزادی و آگاهی می‌کوشد جلال در دل و دیده حضور دارد.

« از چپ به راست: غلامرضا امامی، زنده یاد جلال آل احمد، ابراهیم کاظمی در اروند رود خرمشهر ، سال ۱۳۴۵ »

با هنر تنها نیستید

هنر و روان

شهره طاعتی
مددکار اجتماعی

تنهایی و طرد شدن از خانواده و زندگی در شرایط سخت در بعضی از انسان‌ها که در وجودشان یکی از شاخه‌های هنر را به‌صورت نهفته دارند می‌تواند راهی باشد برای مبتلا نشدن به انواع و اقسام اختلالات روان و رفتارهایی همچون پرخاشگری و آسیب رساندن به خود و دیگران.

برخی از افراد به‌دلایل مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناچار می‌شوند که در تنهایی و انزوا زندگی کنند. چه بسیار زنان و مردانی داریم که به‌خاطر مسائل فرهنگی، اعضای خانواده‌شان آنها را رها کرده‌اند یا به‌دلایل تعصبات قومی و طایفه‌ای، رفتارها و عملکرد آنها مورد پسند و قبول دیگر اعضای آن طایفه نمی‌باشد و همین امر باعث طرد او و در نهایت تنهایی و انزوا شده است.

عکس‌العمل انسان‌ها در شرایط سخت با یکدیگر متفاوت است و نوع رفتار و عملکرد آنها در مواجهه با تنهایی و انزوا نیز نتیجه همین تفاوت در نشان دادن عکس‌العمل و تفاوت در دیدگاه آنها نسبت به مسائل و موقعیتی است که در آن قرار گرفته‌اند؛ بعضی از افراد تنهایی خود را به‌عنوان نقطه ضعف و عامل سستی و رخوت‌شان می‌دانند و تمامی فعالیت‌های روزمره را نیز تحت‌الشعاع این تنهایی قرار می‌دهند و در نهایت با مشکلات جسمی ناشی از آن و افسردگی، اعتماد به نفس پایین، جمع گریزی و.... دست و پنجه نرم می‌کنند. اما دسته‌ای دیگر از افراد هستند که به مشکلات و مسائل زندگی خود به نوعی دیگر نگاه می‌کنند و آنها را برای خود به فرصت تبدیل کرده و در جهت آن گام برمی دارند. این افراد دارای شخصیتی مستقل هستند که بر برداشت‌ها و آموخته‌های خود تمرکز می‌کنند، آنها افرادی خود ساخته‌اند که تنهایی را فرصتی برای رسیدگی به درونیات‌شان و کشف استعداد هنری خود می‌دانند.

هنر ذاتاً در فکر و روان فرد هنرمند نهفته است. هنر ذاتی سیال و پویا دارد و به محض توجه به آن از درون فرد با خلق اثر هنری به بیرون بروز پیدا می‌کند. هر کدام از ما که به اطرافمان نگاه کنیم این گونه افراد را می‌توانیم ببینیم. به‌طور مثال خانمی را می‌شناسم که به‌دلایل مختلف از خانواده طرد شده است، جامعه نیز پذیرای او نیست. وی معاش خود را از طریق انجام کارهای مختلف خدماتی تأمین کرده است؛ او در تمام این سال های تنهایی و انزوا به کندوکاو درون خود پرداخت و استعداد خود را در نوشتن فیلمنامه کشف کرد و توانست دو الی سه کتاب در این زمینه بنویسد. او تمام نوشته‌هایش را طی چندین سال دور ماندن از جمع خانواده، دوستان، همکاران و معاشرت‌های اجتماعی جمع‌آوری کرده است. او در اتاقی خارج از شهر و در روستاهای دورافتاده زندگی می‌کند، ساعت‌ها و روزها تنهایی را تجربه کرده و این سبک زندگی برای او همچنان ادامه دارد. وی هیچ هم صحبتی بجز درختان ، گیاهان و گاهی مکالمه کوتاه با محلی‌ها ندارد اما همین اتاق کوچک بدون امکانات برای وی تبدیل به کارگاهی برای ساختن خود و توان‌افزایی اش شده است. کاغذهای سفیدی که با کشیدن حالات و احوالات درونی و ذهنیات خود روی آنها رنگ و شکل به خود گرفته‌اند به آثار هنری کوچک او تبدیل شده‌اند. این نوع عکس‌العمل خانم هنرمند به مسائلی که در طول عمرش برای او پیش آمده نشان داده که انسان‌ها توانمندی‌های شگرف و بسیاری دارند که در صورت استفاده از آنها اثرات مثبتی در زندگی خود تجربه خواهند کرد حال اگر حتی بخش کوچکی از این توانمندی‌ها با هنر آمیخته شده باشد، در مدیریت هیجانات درونی و مهارت‌های رفتاری به آنها کمک خواهد کرد.

روایت نغمه‌های موسیقی «به یاد گذشته»

پیشنهاد

رضا مهدوی
موسیقی پژوه و منتقد هنری

جواد بطحایی از زمره نوازندگان سنتور است که درکنار تحصیل دقایق و ظرایف فن موسیقی درعمل و نظرهم توانسته به مرور از تجربیات مفیدی که طی چهار دهه اجرا و آموزش به‌دست آورده، درشیوه نوازندگی هم مُدقّقانه و پژوهش‌مدار مسیرها را بدرستی سپری کند. موسیقی‌های بی‌کلام مجموعه «به یاد گذشته» شامل قالب های: مقدمه، پیش درآمد، چهارمضراب و دیگر فرم‌های آزاد است که درطول زندگانی هنری در مایه‌های شور و افشار ساخته و پرداخته که قبلاً درکتاب «فریاد خزان» با نت نگاری و لوح فشرده شنیداری توسط نشر خنیاگر منتشرشده است. در این آلبوم دکلمه‌هایی را هم می‌شنویم که جلایی تازه دارد اما تجربه شده است در موسیقی گلهای رادیوی قبل از انقلاب که همواره با نگاه و حس و خوانش زیبا شناسانه در شبانه‌روز برای مردم استودیویی و زنده پخش می‌شد و این بار جواد بطحایی هم اشعاری از نوذر پرنگ را انتخاب و با هر آهنگ و قطعه دکلمه وار در ابتدای هر قطعه اجرا کرده است.

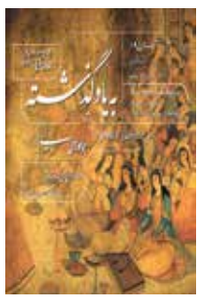

او در مسیر تولید به تعداد ۲۲ آلبوم تاکنون با نگاه زیباشناسی به نغمه‌ها و تکنیک‌ها بر محوریت رعایت اصول سنتورنوازی صحیح به روزآوری بیان نوین را هم مدنظر قرارداده تا فضایی بینابین را شامل شود. اینک تک نوازی و گاه دو نوازی با تنبک و در سه شیار(تراک) آخر همنوازی ارکستر با آهنگ های: فغان، پریش و رنگِ مجنون در دستگاه شور و آواز افشار شنونده را می‌برد به ضمیر ناخودآگاه که یادآور دوران خوش فرهنگ شنیداری موسیقی‌های بی‌کلام اصطلاحاً «موسیقی بما هو موسیقی» بود... موسیقی‌ای فارغ از هرکلام که تماماً تزئین‌ها و طنین‌ها و ضرباهنگ‌هایی است که بخوبی می‌تواند گوش‌های مشتاق را نوازش دهد و مغز را تغذیه روحی کناد... در این آلبوم دقت و ظرافت با مضراب‌های شمرده شده شفاف و تأمل برانگیز دست‌های راست و چپ مبین عهد و پیمان و تعهد نوازنده است به استادان برجسته خود که این نکته‌ای است در این سرزمین که هنرجویان و شاگردان پاسدار نکته‌های باریک‌تر از موی رفتار و عمل استادان خود هستند.

آلبوم بارها شنیدنی «به یاد گذشته» خالص و مهربانانه میثاقی است مجدد در راه احترام به گوش هوش شنونده هوشیار که از سر مِهر به مُهر موسیقی دستگاهی ایران اهتمام ورزانه گام برمی‌دارد.

■ **به یاد گذشته**
■ **آهنگساز: جواد بطحایی**
■ **ناشر: نوای شبدیز**
■ **سال ۱۳۹۹**

میرزا کوچک‌خان؛ مبارزی بزرگ در چند جبهه

نکته

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

«کراسین» دیپلمات بلشویک روس از طرف مقامات شوروی به لندن رفت تا به دور از چشم آنان که ساده لوحانه به سراب آزادی بخشی کشور شوراها دل بسته بودند با دولت انگلستان مظهر امپریالیسم در نظر چپ‌ها و یکی از سوژه‌های دائمی آنان برای ناسزاگویی، پیمان اقتصادی منعقد کند! حین مذاکرات دامنه بحث به نهضت جنگل کشیده شد و دیپلماسی انگلستان مبنی برپایان یافتن نهضت گیلان با گرفتن امتیازاتی از سوی شوروی‌ها به توافق انجامید. پس از آن تلگرافی به کیگالو مخابره شد و ضمن آن فرمانده نیروهای شوروی درگیلان در جریان فصل جدید سیاست‌های شوروی در ارتباط با جنگلی‌ها قرار گرفت. منتهی بنا شد نهضت جنگل به نحوی به خاموشی گراید که به حیثیت آزادی‌خواهانه شوروی‌ها لطمه‌ای وارد نشود. بدین ترتیب ترویج مرام کمونیستی در گیلان با استفاده از پایگاه اجتماعی جنگلی‌ها و افزایش نیروهای نظامی آنان جایگزین وعده‌های شوروی‌ها در حمایت از نهضت جنگل شد. تا آن‌جا که نهضتی که هفت سال قبل در لوشان با نیت مبارزه با نفوذ اجانب شکل گرفته بود بر اثر سرما و بی‌مهری روس‌ها منجمد شده و رهبر آن نیز در کوه‌های تالش براثر برف و بوران جان باخت.

یونس استادسرایی (۱۲۵۷- ۱۳۰۰)، مشهور به میرزا کوچک‌خان جنگلی، رهبر جنبش جنگل در جوانی و هنگام اشتغال به تحصیل علوم دینی درصف مشروطه خواهان قرار گرفت و در فتح تهران حضور داشت. وی سال ۱۲۹۳ و در ۳۶ سالگی به گیلان بازگشت و رهبری گروهی را بر عهده گرفت که قصدشان آزادسازی مناطقی از ایران بود که در اشغال روسیه بود. نهضتی که بعدها به نهضت جنگل مشهور شد. کوچک‌خان گروه‌های مختلفی از نیروهای سیاسی و طبقات ناراضی را گرد خود جمع کرد و موفق شد جنبشی ضداجنبی در گیلان به پا کند اما کمبود منابع مالی، اختلافات درونی و حمله نظامی نیروهای دولتی به رهبری سردار سپه و انگلیسی‌ها و خیانت شوروی‌ها باعث شد نهضتش با شکست مواجه شود.

میرزا کوچک‌خان از ابتدا دارای گرایش دینی بوده و تا انتها بر باورهای خود باقی ماند و حوادث و افراد پیرامونش نتوانستند مسیر افکارش را تغییر دهند.از این‌رو همراهانش او را مردی مؤمن به اصول اخلاقی، صریح‌اللهجه، طرفدار عدل و آزادی و حامی مظلومان توصیف کرده‌اند. این ویژگی‌ها سبب بود تا در دل قشرها و طبقات گوناگون مردم گیلان نفوذ کند وافرادی نظیر دکتر حشمت و میرزا حسین کسمایی که از چهره‌های تحصیل کرده و فرهیخته گیلان بودند، یا حسن آلیانی و شیخ علی شیشه بر که از طبقات معمولی جامعه بودند در میان طیف طرفداران میرزا دیده شوند.

او در دوره‌ای هیأتی به‌نام هیأت اتحاد اسلام تشکیل داد که اداره امور مناطق تحت کنترل و تصمیم‌گیری‌های کلی توسط این هیأت انجام می‌شد. آنها هدف خود را «اخراج نیروهای بیگانه، رفع بی‌عدالتی، مبارزه با خودکامگی و استبداد و برقراری دولتی مردمی» اعلام کردند. جنبش جنگل، حرکتی بود که از تظلم خواهی عامه مردم ریشه می‌گرفت و نه تحریک بیگانه، لذا دولت مرکزی ایران که خود از نقض بیطرفی ایران از سوی متفقین به‌شدت ناراضی بود، قلباً حرکت‌های مردمی را علیه اشغالگران تأیید می‌کرد. بنابراین در این دوره دولت ایران سعی می‌کرد با جنگلی‌ها کج‌دار و مریز رفتار کند. در طرف مقابل هم جنگلی‌ها سعی می‌کردند وفاداری و احترام خود را به دولت مرکزی ایران نشان دهند، لذا با نماینده دولت مرکزی (حشمت الدوله) و حتی خود رئیس‌الوزرا (مستوفی الممالک) مکاتبه و مراوده داشتند.

با روی کار آمدن دولت وثوق الدوله، تیمورتاش به‌عنوان والی گیلان تعیین و با بیست هزار قزاق راهی خطه شمال می‌شود تا جنگلی‌ها را سرکوب کند. میرزا که نمی‌خواست با هموطنانش بجنگد تصمیم می‌گیرد با افرادش به‌سمت شرق گیلان عقب‌نشینی کند. جنگلی‌ها به دسته‌های کوچک تقسیم شده و پای پیاده به سمت شرق گیلان تا نواحی تنکابن عقب می‌کشند. در این راهپیمایی طولانی، عده‌ای از جنگلی‌ها از پای درآمده و عده‌ای هم اسیر می‌شوند. به مرور زمان برخی جدا و بخشی هم تسلیم می‌شوند. از جمله آنها دکتر حشمت بود که نیروهای قزاق توسط امان‌نامه‌ای، مهر و امضا شده در پشت یک جلد قرآن او را فریب داده و از میرزا جدا می‌کنند. اما به قول خویش وفا نکرده و سرانجام دکتر حشمت در رشت اعدام می‌شود. میرزا پس از راهپیمایی طولانی در جنگل دوباره به فومنات، یعنی پایگاه سنتی خود بازمی‌گردد و مرحله جدید نهضت جنگل را آغاز می‌کند. سرانجام این مبارز ملی روز ۱۱ آذر سال ۱۳۰۰ درگذشت.

هنرمندان در فضای مجازی

صفحات هنرمندان و اصحاب فرهنگ به بازتاب عکس فرامرز صدیقی اختصاص داشت، چهره تکیده این هنرمند دل دوستدارانش را به‌درد آورد. از سوی دیگر نمایش فیلم آکتور در شبکه خانگی تا اکران مردمی فیلم آتابای و انتشار مجموعه کتابی برای کودکان از جمله این خبرها بوده است.

■ **چهره‌ها**

نوید محمدزاده بازیگر سینما عکسی از سکانس فیلم آکتور را به نمایش گذاشته است. سریال آکتور به نویسندگی و کارگردانی نیما جاویدی به‌تازگی از شبکه نمایش خانگی پخش می‌شود. داستان «آکتور» درباره زندگی پرفراز و نشیب چند بازیگر مستعد تئاتر است که بعد از دریافت پیشنهادی کاری، زندگی‌شان دستخوش ماجراهایی پیچیده می‌شود.

آزاده بیزارگیتی پژوهشگر و مستندساز در صفحه خود با انتشار پوستر جلسه بیست و دوم پنجشنبه‌های پرسش و پاسخ، از برگزاری این جلسه خبر داد. این سلسله جلسات که توسط مؤسسه انسان‌شناسی و فرهنگ به‌صورت مجازی توسط صفحه رسمی این مؤسسه در اینستاگرام برگزار می‌شود، ۱۱ آذرماه ساعت ۱۵ با موضوع «بازتاب زندگی زنان از خلال سینمای مستند» به مبحث زنان در حاشیه می‌پردازد.
موضوعاتی که این مستندساز تاکنون در فیلم‌های خود درباره زندگی زنان بدان‌ها پرداخته، طیف گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد، مسائلی چون حضور نامرئی زنان در تاریخ، در جنگ، در عرصه‌های شغلی و امرار معاش و.... او تلاش کرده تا زنان در حاشیه را در آثار خود به تصویر بکشد و صدای آنها را بازتاب دهد؛ زنانی که جهان معاصر حضور آنها، کنشگری آنها و رنج آنها را نادیده می‌گیرد. بیزارگیتی در صفحه‌اش نوشته:«علاقه‌مندان می‌توانند دو فیلم مرتبط با این مبحث را با نام «نیمه پنهان ماه» و «سپیده‌دمی که بوی لیمو می‌داد»را در سایت هاشور تماشا کنند.»

هانیه توسلی بازیگر سینما که در فیلم نیکی کریمی بازی کرده است درباره آتابای ساخته کریمی در صفحه خود نوشت: «اکران مردمی فیلم زیبای آتابای.آتابای فیلم درخشانی بود با فضاسازی ناب و پلان‌های بسیار جذاب.»

نسیم ادبی بازیگر سینما و تئاتر نوشت: «هیچی مثل صحنه و تئاتر درمون حال این روزهام نیست.... این حرف دل من نیست. حرف دل تمام کسانی است که صحنه را حتی یک بار تجربه کردند. بزودی با یه مونولوگ که مطمئنم حال شما رو هم خوب میکنه میاییم. سالن شهرزاد»

حمیدرضا آذرنگ بازیگر سینما و کارگردان تئاتر بعد از منتشر شدن عکس فرامرز صدیقی در فضای مجازی با انتشار عکسی از خود در این باره نوشت:«بعد از دیدن چهره معصوم و عزیز و خواستنی فرامرز صدیقی عزیز دانستم که خارج از همه تعارفات و عواطف و قیاس و قضاوت‌های گذرا، مرگ واقعی آدمی در فراموش شدگی است. مردی که فراموش می‌شود/ زنی که فراموش می‌شود. مردمی که فراموش می‌شوند و چقدر عادت دردناکی است این مرگ زیستی غریب در این جهان فراموشی کریه.»

■ **دنیای کتاب**

اشکان عقیلی‌پور نویسنده و مترجم به تازگی کتاب جدیدش با نام «ابراهیم خان» را کتابخوانی کرده است. صفحه رسمی رادیو گوشه با انتشار این مطلب خبر از انتشار صوتی این کتاب داده است.

مـژگان کلهر نویسنده و مترجم ادبیات کودک مجموعه کتاب «دنیای پپا» کتاب‌های تصویری خردسالان با ترجمه مهسا خسروی را استوری کرده است. این مجموعه کتاب را که خانه کتاب مفید در صفحه خود منتشر کرده، پر از قصه و ماجراست؛ داستان‌هایی کوتاه و شاد و مؤثر که نویسندگان با کمک شخصیت محبوب پپا درباره مسائل زندگی روزمره خردسالان نوشته‌اند. شخصیت محبوب پپا و برادر کوچکش جورج، می‌توانند دوستان کوچکی باشند که بهانه جور می‌کنند تا درباره مسائل زندگی روزمره خردسالان با آنها گفت‌وگو و بازی کنید. پپا و خانواده‌اش در این مجموعه کتاب‌ها به کودکان کمک می‌کنند تا اولین فعالیت‌های زندگی‌شان را با آرامش و اطمینان بیشتری تجربه کنند؛ مانند اولین‌باری که می‌خواهند شنا کنند، به زمین‌بازی بروند، عینک بزنند، به بیمارستان یا کتابخانه بروند و...قصه‌های خنده‌دار و هیجان‌انگیز پپا کمک می‌کند تا آنها انتظارها و اتفاق‌ها را بشناسند و پیش‌بینی کنند، بهتر تصمیم بگیرند و در موقعیت‌های متفاوت عملکرد مناسب‌تری داشته باشند.»

عکس نوشت

بقعه «آقاسید ابراهیم باباجان دره» یکی از جاذبه‌های تاریخی و مذهبی شهرستان املش است که در آبان ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های آن دیوارنگاره‌ها یا همان نقاشی‌های دیواری روی جداره‌های این بقعه تاریخی است که موضوعاتی مانند واقعه عاشورا و به معراج رفتن پیامبر(ص) را نشان می‌دهد./ایسنا